

استقرار حاکمیت ملی هدف جبهه ملی ایران است

بنام خداوند جان و خرد

سی ام تیر ماه، سالروز خیزش ملت ایران برای استقرار حاکمیت ملی و نفی حاکمیت فردی و تام گرایانه را گرامی می داریم

شهروندان این مرز و بوم شکل بگیرد، که در آن هیچ عاملی حق نداشته باشد جامعه را به شهروندان چند درجه ای تقسیم کند و هیچ گروهی خود را برتر از دیگران و حاکم بر سرنوشت ملت بشمار آورد.

در پایان، ضمن بزرگداشت پنجاه و یکمین سال خیزش شکوهمند سی ام تیرماه، اعلام می داریم که در جو خفقان حاکم بر کشور که ساخته و پرداخته گروههای فشار است، با اعتراض به عملکرد تجاوزکارانه جریانهای مذکور و دستگیریهایی گسترده دانشجویان، نیروهای جوان ملی، فعالان سیاسی و روزنامه نگاران برای نخستین بار طی چند دهه گذشته از حضور در آرامگاه شهیدان پرافتخار سی ام تیرماه و گل افشانی بر مزارشان خودداری می کنیم. امید آنکه در سال آینده در شرایط مناسب با حضور گسترده مردم بتوان یاد و خاطره آن مبارزان راه آزادی و استقلال میهن را که جان شیرین خود را فدای استقرار حاکمیت ملی ساختند، بر سر مزارشان، گرامی بداریم.

جبهه ملی ایران
۳۰ تیر ۱۳۸۲

ملت ایران از جنبش مشروطیت تا به امروز همیشه در پی آن بوده تا در کنار نفی سلطه بیگانه، ساختاری را در کشور استوار گرداند که اصل حاکمیت ملی مشکلی به یک مجلس توانمند که نمایندگان آن با آزادی کامل برگزیده شده باشند، بنیاد کار قرار بگیرد. ملت ایران در پی دستکم یک قرن مبارزه و تلاش، امروز وجود هر گونه ساختار انتصابی برکنار از رای مردم و نظارت نمایندگان خود را نمی پذیرد. تنها راه برون شد از بحران کنونی تمکین حاکمیت از یک ساختار مردم سالار و یک جمهوری ملی تمام عیار می باشد، و بدون شک تا دستیابی به آن، ملت از پای نخواهد نشست. از اینرو، هر قدر حاکمان بر قدرت نشسته بر ابعاد خشونت و فشار خود بیافزایند، مردم را در ادامه راهی که در پیش گرفته اند مصمم تر خواهند ساخت.

ما برای چندمین بار اعلام می داریم که راه رهایی از بحرانهای فزاینده، تمکین کردن به خواست ملت و گردن نهادن به یک همه پرسی برای استقرار ساختار مردم سالار یک جمهوری قدرتمند است که بر پایه رای همه

در کار اداره کشور خود را برکنار بدارد، از اینرو، دکتر مصدق به درستی ارتش را که مهمترین اهرم اعمال قدرت شاه بشمار می رفت هدف قرارداد و اصرار بر آن داشت که فرماندهی ارتش و وزارت دفاع در اختیار دولت قرار بگیرد. این اقدام اساسی بشدت شاه و حامیان خارجی او را به وحشت انداخت، زیرا به خوبی می دانستند که تسلیم در برابر این مهم، دست آنها را بتدریج از دخالت در کار دولت و شکل دادن به مجلس در جهت منافع خود کوتاه خواهد ساخت. بنابراین، آنان بشدت به مقاومت پرداختند، ولی، یکباره، خود را با موج سهمگین خیزش ملت مواجه دیدند و با وجود برخورد خشونت بار با آن خیزش، سرانجام با شکست مواجه گشتند و ملت به پیروزی رسید.

رویداد سی ام تیر برای همه کسانی که در طی سالیان دراز پس از انقلاب ۵۷ می کوشند خواست، حق و رای مردم را نادیده بگیرند و ساختار جمهوریت را مسخ کنند و مجلس را از اعتبار بیاندازند و حاکمیت صنف روحانی را بر جامعه تحمیل کنند، باید درس عبرتی باشد.

رویداد سی ام تیر، از جایگاههای پرشکوه در دوران نهضت ملی ایران برخوردار است، و میتوان آنرا حرکتی بنیادین در راستای تکاملی جنبش ضد استعماری ملی شدن صنعت نفت بشمار آورد.

نهضت ملی ایران به پرچمداری جبهه ملی ایران و رهبری دکتر محمد مصدق، در اصل بر دو پایه بنیادین استوار بود. نخست، حذف سلطه استعمار و کوتاه ساختن دست بیگانگان از منابع ملی کشور و، دوم، تغییر در ساختار حاکمیت و بازگرداندن حق تعیین سرنوشت کشور به ملت و برچیدن بساط وابستگی به قدرتهای بیگانه در اداره کشور. به منظور استقرار حاکمیت ملی، جبهه ملی ایران و رهبر آن دکتر مصدق به روشنی آگاهی داشتند که تا ساختار حکومت دگرگون نشود و شاه و عوامل وابسته به دربار و جیره خواران بیگانه دستشان از قدرت کوتاه نگردد، امکان پایدار ساختن یک دولت ملی مشکلی بر خواست و رای ملت میسر نخواهد شد. بنابراین، با تمام نیرو بر آن بودند که بر اساس روح مشروطیت، شاه را وادار سازند تا از دخالت و اعمال نفوذ

ماجرای برخورد و مرگ مشکوک خبرنگار ایرانی - کاندایی، حاکمیت را در بن بست شدید قرار داده است

صفحه ۳

حاکمیت با گسترش کم سابقه موج دستگیریهایی کشور را به کجا می برد

صفحه ۲

جبهه ملی ایران خواستار تغییر حکومت از طریق همه پرسی شد

صفحه ۴

تاملی در جامعه مدنی ایران

صفحه ۲

همبستگی تشکل های جبهه ملی ایران در خوار از کشور

صفحه ۲

اعلامیه جبهه ملی ایران در بزرگداشت روز ۱۸ تیر ۷۸

صفحه ۲

بیزار ز دفترند و آثار قلم
آرند چماق را به پیکار قلم

ادب برومند

آنان که به وحشتند از کار قلم
چون در کفشان سلاحی از منطق نیست

تاملی در جامعه مدنی ایران

شالوده و بی ریزی اساس هر کاریست. هیچ بنای فاضری را از سقف و هیچ برجی را از قلعه اوج و راس بالای آن نمیتوان ساخت. بجز بنای استبداد و اقلاتون می گویند. فرق قبیله و جامعه در اینست که جامعه را باید ساخت و آگاهانه هم باید ساخت. حال آنکه قبیله نیاز به یک قبی و آقا بالاسر دارد که همه تصمیم ها را بگیرد. و دیگران هیچ نقش فکری ندارند جز اطاعت در عمل و اجرا. جامعه دارای مغز های متعدد و بازوها و ایده تئوریهای گوناگون است و محلی است برای طرح و بیان آنها. انسانهایی که هنوز قبیله ای میاندیشند اگر ناگهان وارد (جامعه) شوند جز تخریب و تهدید و تداوم پخشیدن به قدرت قبیلگی که امنیت کاذب خود را تنها در آن محیط تک صدایی لمس میکنند، هیچ نقش دیگری ندارند. البته چنین موجودات قبیله صفت، اگر ضرورتا دست به نهاد سازی بزنند، این کار را بوسیله مزدوران مطیع مانند کاباس شخصی ها و با گروههایی همانند طالبان و قاعده انجام می دهند که اینها خود بهترین ابزار در دست خود کاسگان جهان. حتی در آغاز قرن بیست و یکم، میباشند.

از سوی دیگر، جامعه مدنی به نهادهایی اطلاق میشود که در طلبه، خود جوش، خود کفا یابند به قوانین و از همه مهمتر کاملا مستقل از دولت عمل کرده و از نقطه نظر اجتماعی بعنوان میانجی بین قلمرو خصوصی و دولت ایستاده اند و اصلی ترین نقش آن جلوگیری از قباحت خطر خیز قدرت در دست یکفر یا یک گروه، و توجه به کثرت گرایی و سهم کردن شرعای گوناگون مردم در قدرت است. هگئل، جامعه مدنی را تابع دولت میدانست. در حالی که مارکس این اندیشه را وارونه نموده و رفتار دولت را ناشی از تحولات درونی جامعه مدنی ارزیابی کرد. اما واقعیت امروز اینست که اندیشه مرمدا لاری بر اهمیت جامعه مدنی تکیه دارد. زیرا این جامعه مدنی است که قدری فضای سیاسی کنترل کننده رفتار خشن دولت را بوجود میآورد، اما باید توجه داشت که فقدان فضای سیاسی دموکراتیک در درون خود جامعه مدنی، طبعاً تاثیرات مخربی بر کل جامعه و دولت خواهد گذاشت. یعنی اگر جامعه مدنی، بجای بودن عرضه ای برای نمایندگی دموکراسی به سرکوب اعضای خود بپردازد، طبعاً در این صورت، نباید انتظار داشت که در کشور دولتی دموکراتیک پا بگیرد. وجود یک دولت دموکراتیک، مستلزم یک جامعه مدنی دموکراتیک است. و نبود دموکراسی در جامعه مدنی، قطعاً توانایی آثرا برای دموکراتیک ساختن دولت از میان می برد. در ایران و دیگر کشورهای که جامعه مدنی در آنها ناتوان است، اغلب اتفاق افتاده که مردم برای رهایی از استبداد سنتی، با شعار آزادی دست به تظاهرات، جنبش و حتی انقلاب های مکرر زده اند، اما نهادهای بجای دموکراسی گرفتار یک نظام توتالیتر، با شرایطی

بمراتب وحشیانه تر از نظام قبلی شده اند. نظامهای توتالیتر همیشه از بحرانهای شدید موجود در جامعه متولد شده اند زیرا در شرایط آشوب زدگی، قشر کمین با تفکر قبیله گرایی بیشتر کن در امور سیاسی و انقلابی کشیده میشوند، بی آنکه آموزش و آگاهی درستی از اداره امور جامعه داشته باشند. در نتیجه آنها بجز به ریشه کن کردن همه چیز موجود نمی اندیشند. فهم این وضعیت که انقلاب هاد گذشت از هزینه گزافه همواره با ایجاد جامعه نو ده ای مشکل ناز و خطرناکتری از معضلات قبلی بنام توتالیتریزم میگشودند، توجه به ضرورت ایجاد و حمایت از نهادهای جامعه مدنی را بعد از حدود ۱۰ سال، که گذشتان جامعه مدنی در جهان تقریباً فراموش شده بود، ابتدا در لهستان، فیلیپین و شیلی، و سپس در ترکیه، مصر، اردن، کویت و اکنون در ایران مطرح شده است.

وقتی حاکمیت برای تداوم اقتدار سیاسی خود، جامعه را به خودی و غیر خودی، شهروندان را به درجه یک و دو، و استنها را به آزاد و برده تقسیم میکند، و با وضع قوانین مستخرج از دوران جاهلیت قوم عرب از بروز و ظهور تئوریهای خلاق شدت جلوگیری نمینماید، مردم با بنیانگذاری جامعه مدنی در مقیاسهای کوچک به تحریک مقابله با قوه فهریه ای که فعلا بجای سه قوه مقننه، مجریه و قضائیه نشسته، می پردازند و با ایجاد قدری نوعی منطقه آزاد سیاسی، در درون ساختار سه و خلقان آور و آلوده به ذرات دود و دم استبداد جمعی، هوایی تازه میدهند. در شرایط ناشی از حاکمیت زور، بسیار طبیعی است که مردم با نمی گیرند، روزنامه ها یا منتشر نمی شوند و یا به اینترنت پناه میبرند و روزنامه نگاران و نویسندگان و هنرکامان و هنرمندان اگر فرود نشوند، به زندان میآیند. توسعه جامعه مدنی برآمد از خواست های فریفته گروههای اجتماعی گوناگونی است که سیاسی شده اند، اما فرصت بروز و ظهور و هنرنامهی سیاسی ندارند و به حالتی رانده شده اند. وقتی چاقوی قوه مجریه حتی برای دفاع از وزیر و وکیل و استاندارش نیفه ندارد، و کرسی قوه مقننه بخار، آلودت طرح گسترش جامعه مدنی از مرکز قوه مجریه سرچشمه میگردد، زیرا جامعه مدنی بوسیله طرحهای عرضه شده از سوی اعضایش جان میگردد و برای آنکه بتواند محدودیت هایی را در برابر حاکمیت اقتدار طلب ایجاد کند باید ابتدا از مسئولیت خود در برابر ستم و تعدی، فارغ از اینکه منشأ آن حاکمیت باشد یا اعمال خود جامعه مدنی، آگاه باشد. جامعه مدنی برای تضمین دموکراسی باید به گفتگو با حاکمیت بپردازد ولی تنها وقتی میتواند توفیقی در این زمینه بدست آورد که خود خصلتی دموکراتیک داشته باشد. یک جامعه مدنی فعال و سر زنده باعث پیدایش یک دولت دموکراتیک و پاسخگو است. زیرا حاکمیت وقتی به توانایی استیلا بر جامعه دست مییابد، که با مخالفت جدی مواجه نباشد، و در نهایت این جامعه مدنی است که مابعت حاکمیت را تعیین میکند. البته تسلک انحصاری ابزار

های قهر آسیر همواره، حاکمیت را از جامعه مدنی متمایز میسازد. ولی حاکمیتی که به تغییرات در نیروهای جوان و تازه نفس اجتماعی و ظهور مفاهیم سیاسی جدید در جامعه توجه نداشته باشد، بزودی اعتبار خود را از دست داده و به دولت مستعجل بدل میشود. قدرت و قلمرو حاکمیت درست در جایی که کار و زندگی مدنی شروع میشود، پایان می یابد. شوراهای، دانشگاهی، باشگاهها، گروههای نیکو کاری، انتشارات مستقل، بنگاههای اقتصادی بانکهای غیر دولتی، همه میشوند به مابعت پراننده و محلی و گسسته (قدرت مردم) شکل داده و توان خوفاک حاکمیت را تعدیل یا کنترل نمایند. تحولات سیاسی و جنبشهای اجتماعی نشان میدهند که مرزهای قدرت حاکمیت تا حد زیادی بوسیله مبارزه جامعه مدنی تعیین میگردد، زیرا در واقع این جامعه مدنی است که مرزهای زندگی سیاسی را با حضور یا غیبت خویش تعیین میکند. حاکمیت مسلط همواره میگوید تا جامعه مدنی را سرکوب کند، زیرا وجود جامعه مدنی یکی از ویژگیهای جوامع دموکراتیک است و در تئوریهای دموکراسی روی اعمالی جامعه مدنی بعنوان یکی از لوازم حیاتی دموکراسی تاکید میشود. در نتیجه اعمالی جامعه مدنی را نمیتوان از یک طرح رهایی بخش حذف نمود. امروز، ایران ما به یک کانون فعالیت اندیشه تبدیل شده و اگر رقابت سیاسی بدلیل وجود رتاهای قدرت و نور چشمی ها و آقا زاده ها در تنگنا قرار گرفته، خوبختانه زمینه برای رقابت فکری تا حد دردی باز است و نیروهای اجتماعی میتوانند ضمن حفظ فاصله کافی و آبرومند از دستگاه آبروریزی که گفته آدام اسمیت، در تمام ادوار تاریخ با شعار شرم آور "همه چیز برای ما و هیچ چیز برای مردم" در خطبای بربریت بوده است، به شکوه و ورقت و پویایی فرهنگی جامعه کمک کنند. از آنجا که فر د تنها، توان ایستادگی در برابر مشکلات را ندارد، رمز پیشرفت و توسعه در جامعه مدنی نهفته است. جامعه مدنی فرد را در برابر قدرت غریبان دولت محافظت میکند و چون هر روز نمی توان انقلاب جدیدی را برای رهایی از جباریت تبارک دید، لذا تنها راه برای مهار قدرت، ایجاد و تقویت نهاد های مدنی است. حساب پس دهنگی و مهار دولت و حاکمیت نیز به توانایی جامعه مدنی بستگی دارد. کلاری که تا بحال نه مجلس و نه قانون اساسی موفق به اجرای آن نشده است. در جهان امروز، رفتار حکومت تابع مهار داری همگانی قدرت است، و امور همگانی بر خلاف شکلهای پیشین حکومت که در آن سیاست و سلطنت یکی گرفته میشد، امروزه حتی در خارج از مرزهای مشخص دولت، شکل سیاسی بخود میگردد و این فضای خارج از مرزهای مشخص دولت همان جامعه مدنی است. البته ساکنان جامعه مدنی باید دائما از مرزهای خود در برابر تجاوز های حاکمیت پاسداری کنند، زیرا هیچ سد دیگری برای مقابله با جباریت وجود ندارد، و بگفته جان کاون، خدولند آزادی را بشرط مر لیت ابدی به انسان اعلا کرده است.

هرمز میرزی

حاکمیت با گسترش کم سابقه موج دستگیرها کشور را به کجای برد

برونده سالها در کار بازجویی ها اشاره داشته، نسبت به ادامه این وضع و عوارض منفی آن هشدار داده اند. به نظر می رسد ابعاد مسئله آنقدر گسترش یافته که به ناچار شخص رئیس جمهور را دچار تنویش ساخته تا جاییکه به وزیران اطلاعات و دادگستری دستور داده اند تا نسبت به بررسی و پیگیری موضوع اقدام کنند. ایشان در نامه خود اشاره دارند که کین روزها، و پیش از آن هم نحوه برخوردهایی با روزنامه نگاران و دیگر شهروندان به عمل می آید که دست کم تأمل انگیز است. ... ما همان گونه که مسئول نسبت به مصالح و امنیت ملی هستیم، در برابر حق مسلم هموطنان عزیز و بخصوص اصحاب فکر و نظر مستولیم. سرچاه بررسی کنید ...

جبهه ملی ایران بار دیگر با اعتراض به این شیوه برخورد با جوانان، دانشجویان و فعالان سیاسی و روزنامه نگاران اعلام می دارد که بر قدرت نشستن بخود آیند و پیش از این جامعه را به التهاب نکشاند و کشور را در شرایط بحرانی متوقف دستخوش آشوب بیشتر نکند و آثرا به توان سپارند.

موج گسترده دستگیرها که از روزهای پیش از سالگرد هجدهم تیر ماه آغاز گردیده همچنان با شتابی فزاینده ادامه دارد. روزی نیست که از میان دانشجویان، فعالان سیاسی، روزنامه نگاران، افرادی دستگیر یا احضار نگردد و روان زندانها نشوند. بار دیگر جریانهای اطلاعاتی غیر رسمی و موازی با وزارت اطلاعات به گونه ای غیر منظره فعال گشته و بدون آگاهی وزارتخانه مذکور و گاه بصورتی بسیار خشن ایجاد وحشت در جامعه به بازداشت افراد می پردازند و به زندانهای نامشخص می برند. خانواده بیشتر بازداشت شدگان از محل آنها بی خبرند و به کیلان آنها نیز اجازه ملاقات را نمی دهند. نحوه برخورد با بازداشت شدگان و آنچه که درباره بازجویی ها در جامعه بازتاب یافته، همگان را دچار تنویش ساخته و جامعه ایران شدت مقلبت است. در روزهای اخیر جریانهای اصلاح طلب و شمار زیادی از نمایندگان مجلس که از پس پرده بی خبریستند، شدت از آنچه در جریان است ایر از نگرانی کرده، طی بیانیه هایی به جریان گسترده

اعلامیه جبهه ملی ایران در بزرگداشت روز ۱۸ تیر ۷۸

برای آنها معنای ندارد.

هنوز یاد تلخ آن رویداد شرم انگیز مانند خاری در دلها میخالد و داغ رسوایی را بر پیشانی جنایتکاران مردم ستیز مجسم میسوزد که در روزهای اخیر نیز حوادث دیگری همانند رخداد ۱۸ تیر، در دانشگاههای تهران، شهید بهشتی، علامه طباطبائی و بسیاری دانشگاههای شهرهای دیگر به وقوع پیوست، بار دیگر بسیاری از دانشجویان زخمی و مضروب و هزاران نفر دستگیر و زندانی شدند، و بر تار و پود تنگین سلطه پیشین بر گهای دیگر افزوده شد.

این رویدادهای ناگوار در هنگامی بوقوع میبویند که تهدیدهای بیگانگان هر لحظه ممکن است برای تمامیت ارضی کشور خطر آفرین باشد. ولی بدبختانه سوء سیاست دست اندرکاران حکومت، و عدم اعتدای آنها به آینده کشور، و دل مشغولی آنها فقط به ادامه بقای خود، به جای دلجویی و تحسین مردم، بر تار و پود آتان میافزاید و دشمن را جرئ تر میسازد. در کجای دنیا سابقه دارد که دو سالگرد یک حادثه شوم و وحشتناک و شتجان خشم عدوسی در آن رویداد دلخراش، حوادث هولناک دیگری همانند آن به وسیله همان گونه اشخاص ماجراجوی مزدور و غیر مسئول صورت و وقوع یابد و زخمهای دردناک دیگری بر جراحات سابق افزوده گردد. این در حالیکه که حاکمیت، بجای مجازات آشوبگران از آنها حمایت میکند و در عوض دانشجویان را سرکوب کرده به زندان میاندازد. دستگاه قضایی هم در برابر اینگونه شمشگرها و کارهای فجیع این درنده خوبان، با بی اعتدالی و حنا به طرفداری از مجازاتان عمل میکند. وای بر حال کشوری که با داشتن عنوان جمهوری، در آنجا حریم حرمت دانشجوی به وسیله اوباش و ابلهان مورد تجاوز قرار گیرد و چنین اعمال وحشیانه‌های مایه خشنودی دستگاه حکومت گردد.

جبهه ملی ایران، با محکوم کردن این قبیل اعمال ناشایست، پابریه میزند هم تیر را گرامی میدارد و با فرود آوردن سر نگریمی به پیشگاه دانشجویان معزز یادآوری میکند که دانشجویان با حفظ معصومیتی که همواره دارا بوده اند، به گونه ای عمل نکنند که بهانه به دست حاکمیت زورگو و خشن داده شود و گناه هر پیشامد ناگوار را بگردن جنبش دانشجویی، که در حال حاضر مهمترین عامل ابراز وجود ملت برای استغفار آزادی و ساختار مردم سالاری در کشور میباشد، میاندازد. مطالبه حقوق با ملت و قانون اساسی و سلامت نفسی شایسته دانشجویان است و درگیری با افراد سیکس و میکماهی دون مقام آنان، پدیده ای است که در این صورت حمایت قاطعه ملت پشتیبان آنهاست.

تهران، ۱۸ تیر ۱۳۸۲
جبهه ملی ایران

به افتخار فرین یاد نام دانشجو که هست پاس فضیلت مرام دانشجو جو هست پشه شیران فضای دانشگاه سزد که نام گیمش کتاب دانشجو چگونه حکومتی اجازه میدهد که چنین رفتار شرم آوری از سوی مزدوران ولگرد نسبت به دانشجویان بشود؟ به چه جهت یک مشت اجیر بی هویت و جاهل افسار گسیخته را بجان عزیزترین فرزندان این کشور میاندازد؟ جای بسی تأسف و تعجب است که صاحبان قدرت و کسانی که به هر تقدیر بر مسند حکومت تکیه زده اند، آن چنان غرور و لذت و خودکامگی دیدگانشان وابسته است که واقعینها را نمیبینند و حقیقت را درک نمیکنند.

زمامداران سلطه‌ورده باید بدانند که تعیین مقدرات کشور، در آینده نه چندان دور، متعلق به دانشجویان است. آنان که بیشتر عمر خود را صرف تحصیل دانش کرده اند و از امتحانات دشوار سرفراز بیرون آمده اند و هنوز در بی خودسازی علمی و فرهنگی خود برای خدمت به کشور هستند، حق دارند از هم اکنون درباره آنچه بر میهن و هم میهنانشان میگذرد بیندیشند و نسبت به آن بی تفاوت و بی طرف نباشند. دانشجویان از ناپسانیها و ناپهناجاریهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آگاهند و ناراحتی را تحمل نمیکنند؛ به ویژه اینکه احساسات تند و سرکش دوران جوانی هم بر آتش آن دامن میزند. پس اگر آوای مخالفتی دولتگذار از حاکمیت سر میزند، باید گوش داد، پاسخگو بود و در برابر پیدایی آنان بر دباری کرده، نه اینکه عده ای لات را بجان آنان انداخت و رسوایی بیاز آورد، حادثه تیرماه ۱۳۷۸، که از تنگناورترین رخدادهای دوران جمهوری اسلامی است، حمله بی شرمانه و هجومی دهنشسته به خویگاه دانشجویان بود که دامان حکومت را به یکی از بدترین و تفرانگیز ترین آلودگیها بدلآورد و کوس رسوایی کسانی را که مدعی رعایت حقوق بشر اسلامی هستند بر پام عالم به صدا در آورد!

این حمله گستاخانه که بوسیله مشت اوباش مزدور و ولگردان بی سرو پا و ماجراجویان درنده، خو با حضور و تماشاگرانی بیرونی نظامی صورت پذیرفت، و نتیجه موجب تنگ حرمت و آزار شدید بدنی و ضایعات جانی و مالی دانشجویان شد، فلرب هم میهنان را جریمه دار ساخت و مسخعت نفرت عمومی را بر ضد آبران و عاملان آن برانگیخت. عملیات خشونتبار در روز ۲۳ تیر ۱۳۷۸، در بازتاب به اعتراضات و تظاهرات دانشجویی، نشان داد که قدرت مداران بهر وسیله و شیوه‌های برای سرکوب آوای مخالف و تثبیت بقای خود دست میزنند، و معیارهای رفتاری اجتماعی، جهانی و حتی انسانی

پیشنه صلح سبز ایران در خصوص چهارمین نمایشگاه بین المللی محیط زیست تهران

چهارمین نمایشگاه بین المللی محیط زیست تهران همچون سابقان گذشته آغاز می شود در حالی که به معنای واقعی دستاورد این نمایشگاه چیزی به جز نمایش گذارن NGO های تلبیه کننده سیاست های اشتباه دولت و افتخار سازمان (صدا) محیط زیست به این اشتباهات نمی باشد.

صلح سبز ایران به دلایل ذیل عدم حضور و تحریک نمایشگاه محیط زیست را اعلام می دارد:

نگاهی کوتاه به کارنامه سازمان محیط زیست بیانگر سقوط و اضمحلال فاجعه آمیز مقوله محیط زیست در ایران می باشد. تاراج جنگلهای شمالی، آلودگی های نفتی خزر، آلودگی شدید هوای شهرهای بزرگ تبدیل شدن ایران به پل کینگ های خودروهایی فاقد استاندارد مناسب سوخته، قانون ننگین کالیفرناسیون (اجزاء شکار به خارجیان)، عدم حمایت و حتی مقابله با NGO های غیر وابسته به دولت، حرکت به سوی ایجاد سازمان های غیر دولتی وابسته به دولت در جهت تلبیه حرکت های اشتباه، رانت خواری، عدم تحرک در تصویب و با تغییر قوانین جدید و مناسب همه و همه گوشه ای از مشکلات داخلی در باب محیط زیست در کشور ما می باشد.

جدا انگاری مقوله محیط زیست از توسعه پایدار و اصل بنیادی حقوق بشر نیز مضلل دیگری است که نیاز به بیان و توضیح بیشتر ندارد، چرا که سه صلح اصلی برای زندگی امروز همانگونه که در اجلاس ژوهانسبورگ نیز تأکید شده است: محیط زیست، حقوق بشر و توسعه پایدار است. که متناقضه عدم درک صحیح از برنامه های جهانی و مفاهیم بین المللی، حرکت به سوی آیندهای بهتر را ناممکن می سازد، چنانچه این مسئله امروزه در جامعه به وضوح دیده می شود.

پیام با توجه به اهمیت روز افزون مسائل زیست محیطی و بی توجهی ساختار حاکمیت به این مهم لازم دیدیم تا بخشی از اعلامیه صلح سبز ایران را که برای پیام جبهه ملی فرستاده شده به چاپ رسانیم. امید که در آینده بتوانیم تحلیل های جامعی را به مدد کارشناسان درباره این مسئله بنویسیم و سرزمین و جامعه ایران مطرح بسازیم.

ماجرای بر خورد و مرگ مشکوک خبرنگار ایرانی، کانادایی، حاکمیت را در بن بست شدید قرار داده است

عسومی دیون و بیرون کشور اعلام داشت. شک نکنیم اگر تابعیت دوگانه این خبرنگار نبود، نا بحال آنهایی که انگشت اتهام بسویشان نشانه زده است، با فشارهای آنچنانی، روزنامه ها و اعتراض کنندگان را وادار به کوتاه آمدن نسبی کرده بودند. به نظر می رسد گروه تندرو صاحب قدرت حاکمیت که اساس استراتژی خویش را بر سرکوب قرار داده، به اعتباری از نتیجه کار واقعی باشد. این جریان می خواهد بگوید که برای حفظ قدرت از هیچ اقدامی فروگذار نخواهد کرد و هیچگاه گوش شنوایی در مورد افکار عمومی دیون و بیرون نداشته است. ولی واقعیت آنست که ادامه این روند، بشدت کلی حاکمیت را در تنگنا قرار داده و دور به نظر می رسد که بتوان با این شیوه جامعه را وادار به تمکین و جهان را آماده پذیرش وضع موجود و تعامل با آن ساخت. احترام به آزادی ها و حقوق بشر، امروز به عنوان یک اصل عمده توجه جهانیان را بخود معطوف داشته است. این در حالی است که ایران در هر دو زمینه بشدت مورد اعتراض قرار دارد. پدیده ای که نمی تواند تداوم یابد.

ماجرای دردناک مرگ بشدت مشکوک خاتم زهر اکاظمی خبرنگار مجله ژاکر و سو کانادایی که دارای تابعیت دوگانه ایرانی و کانادایی بوده و در روز دوم تیرماه در حین انجام وظیفه خبرنگاری در برابر زندان اوین با از بر خورد و بازداشت می شود، بر خلاف انتظار گروه های اطلاعاتی غیر رسمی به یکی از مسئله سازترین رویدادهای کشور تبدیل و بازتابی بسیار گسترده یافته است. فشارهای افکار عمومی جهان و دستگاه وزارت خارجه کانادا و فرزندان آن شادروان تا بدان حد تأثیر گذار بوده که شخص ریاست جمهوری وزارت خزان های کشور، اطلاعات، فرهنگ و ارشاد و دادگستری را مأمور بررسی موضوع و ارائه گزارش جامع کرده اند. نخستین گزارش هیأت مذکور حکایت از آن دارد که بر خلاف گفته های قبلی مقامات بیمارستان و پزشکی قانونی، خاتم کاظمی سگت نگر ده، بلکه بر اثر ضربه مغزی دوگانه شده است. با اعلان این نظر ماجرای مرگ مشکوک این خبرنگار وارد مرحله جدیدی گردیده است. از سوی دیگر، رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی نیز آمادگی مجلس را برای بررسی مسئله و تهیه گزارش برای آگاهی افکار

جبهه ملی ایران خواستار تغییر حکومت از طریق همه پرسی شد

ژادبوی فردا که جبهه ملی ایران در تهران با صدور یک بیانیه، خواستار تغییر حکومت کنونی در ایران از طریق همه پرسی شده است. ۱۶ تن اعضا کنگدگان این بیانیه، که خود را هیئت رهبری، هیئت اجرایی و هیئت رئیسه شورای مرکزی جبهه ملی ایران معرفی کرده اند، در این بیانیه آمریکا ستیزی و دخالت ناپجا در امور عراق را در جهت مخالفت با منافع ملی ایران دانستند، و نیز خواستار تعیین میزان فرامست به ایران و اقدام فوری برای گرفتن آن از طریق ایجاد یک دیپلماسی خردمندانه و پویا شدند. ادیب برومند، عباس امیر انتظام، داوود هرمیداس باوند، تیمسار باونشته ناصر فرید، و دکتر پرویز ورجاوند از جمله اعضا کنگدگان این بیانیه اند. یکتاش خصمه پور به همین مناسبت گفتگویی دارد با دکتر هرمیداس باوند.

ژادبوی فردا آقای هرمیداس باوند با توجه به شرایط کنونی در منطقه به نظر می رسد که اطلاعیه جبهه ملی ایران، برگزاری یک همه پرسی رایبه عنوان یک راهکار ارزبایی کرده. آیا اصولاً اعضا کنگدگان این بیانیه که رهبران جبهه ملی هستند، برگزاری یک همه پرسی که خواهان تغییر حاکمیت در ایران باشد، چشم انداز برگزاری چنین همه پرسی را در ایران مشاهده می کنند؟ باوند، بله بییند چنین درخواستی از سوی گروههای دیگر

هم مطرح شده و راه حل عاجل و این همه پرسی تشخیص داده اند. البته در چنین شرایطی من فکر نمی کنم که برگزاری چنین همه پرسی امکان پذیر باشد. ولی در عین حال یک راه حل منطقی و نهایی است که به نفع جامعه ایران است. آنچه که مدنظر است مصالح و منافع مردم ایران و منافع ملی و تاریخی ایران است. بسیاری از مردم ایران و گروههای سیاسی بر این باورند که ارجاع به آرای عمومی مردم برای تجدید نظر در ساختار سیاسی اجتماعی موجود یک امری است لازم و ضروری.

جبهه ملی ایران خواستار تغییر حکومت از طریق همه پرسی شده. از دید یک عضو هیات اجرایی ملی سجادی ژادبوی فردا که جبهه ملی ایران در تهران با صدور یک بیانیه، خواستار تغییر حکومت کنونی در ایران از طریق همه پرسی شده است. ۱۶ تن اعضا کنگدگان این بیانیه، که خود را هیئت رهبری، هیئت اجرایی و هیئت رئیسه شورای ملی ایران معرفی کرده اند در این بیانیه آمریکا ستیزی و دخالت ناپجا در امور عراق را در جهت مخالفت با منافع ملی ایران دانستند و نیز خواستار تعیین میزان فرامست به ایران و اقدام فوری برای گرفتن آن از طریق ایجاد دیپلماسی خردمندانه و پویا شدند. ادیب برومند، عباس امیر انتظام، داوود هرمیداس باوند، تیمسار باونشته ناصر فرید، و دکتر پرویز ورجاوند از جمله اعضا کنگدگان این بیانیه اند.

یکتاش خصمه پور به همین مناسبت گفتگویی دارد با دکتر هرمیداس باوند و دو آغاز از او می پرسد که چه زمینه ای جبهه ملی ایران را بر این داشته که به انتشار چنین بیانیه ای دست بزنند. یکتاش خصمه پور ژادبوی فردا آقای هرمیداس باوند، با توجه به شرایط کنونی در منطقه به نظر می رسد که اطلاعیه جبهه ملی ایران برگزاری یک همه پرسی را به عنوان یک راهکاری ارزبایی کرده. آیا اصولاً اعضا کنگدگان این بیانیه که رهبران جبهه ملی هستند، برگزاری یک همه پرسی که خواهان تغییر حاکمیت در ایران باشد، چشم انداز برگزاری چنین همه پرسی را در ایران مشاهده می کنند؟

دکتر داود هرمیداس باوند، بله بییند چنین درخواستی از سوی گروههای دیگر هم مطرح شده و راه حل عاجل و این همه پرسی تشخیص دادند. البته در چنین شرایطی من فکر نمی کنم که برگزاری چنین همه پرسی امکان پذیر باشد. ولی در عین حال یک راه حل منطقی و نهایی است که به نفع جامعه ایران است. آنچه که مدنظر است مصالح و منافع مردم ایران و منافع ملی و تاریخی ایران است. بسیاری از مردم ایران و گروههای سیاسی بر این باورند که ارجاع به آرای عمومی مردم برای تجدید نظر در ساختار سیاسی اجتماعی موجود یک امری است لازم و ضروری.

خبر و سیده از امریکا:

همبستگی تشکل های جبهه ملی ایران در خارج از کشور

اوضاع حاد درون ایران و شرایطی که سیاستهای بین المللی برای ایران و آینده اش میبهراند رقم بزندان، اعضای تشکلهای پراکنده ی جبهه ملی ایران در خارج کشور را بر آن داشت تا برای تجمع در زیر یک چتر که همان آرمان جبهه ملی است، تصمیم قاطع بگیرند و با اتحاد کامل، در جهت تأمین آزادی برای مردم و ایجاد حکومت مردمسالار در میهن، به مبارزه خود ادامه دهند. یادآوری می شود که جبهه ملی در درون ایران یکپارچه و دارای مرکزیت و احد است و معطل پراکنده گی تنها در برون مرز وجود داشته است. علت این تفرق و وجود تشکلهای گوناگون در برون مرز، نه سوء نیت پاران بود و نه عدم آگاهی از اسناد جبهه، علت اصلی عدم اطلاع ما اعضای فراری و کنوچیده از ایران، از کار همدیگر به سبب پراکنده گی جغرافیایی پاران در پهنه زمین بوده است، و گرنه تمام اعضای جبهه ملی ضمیمه آله به مرام و اسناد جبهه وفادار و آگاهند به عیارت دیگر، بعد از کوچ و یا تبعید خواسته و نامخواست پاران از میهن و اقامت در کشورهای گوناگون گیتی، در هر کشور و ایالت، هر چند تقریباً پیوسته و با همداد، برای زنده نگاه داشتن مبارزانشان زیر نام جمعیتی که به آن تعلق و علاقه داشتند، جمع شدند و نام جبهه ملی برون مرزی بر خود نهادند. این کار در ابتدا مشکلی ایجاد نمیکرد زیرا پاران از کار هم بی خبر بودند. اما پس از مدتی که آگاهی از کار همدیگر پیدا شد، گرفتاریها نیز خود را نمودند که در رأس آنها نمانند دوست و دشمن به سبب این تفرق بود که واقعاً محقق هم بودند.

ما اعضا و هواداران نیز، هم درد را شناخته بودیم و هم درمناش را می دانستیم، اما بعد مسافت و اختلاف سلیقه ها، معالجه رایبه تعیین انداخت، خوشبختانه به حکم همان ضرب المثل ایرانی که میگوید، جمل ضرر و آزر هر جا بگیرد نفع است ما نیز کسانمان را دوا کردیم و متحد شدیم. مشاهده است که تقریباً اکثریت نزدیک به اتفاق پاران ما خواستار

ادغام این تشکلهای و اتحاد همه ی اعضا زیر چتر و نام جبهه ملی که یادگار دکتر مصدق بوده و قطب نمایی برای ادامه ی راه آن زنده یاد است، بودند. این مهم بالاخره پس از تلاشهای فراوان و تماسهای مداوم پاران دانشور با یکدیگر، در اوایل خرداد ماه امسال به نتیجه رسید و در خمت این کوششها به بار نشست.

کنگره کنونی که به مدت سه روز در لوس آنجلس برگزار می شود یکی از شرفات این تلاشها است و به همین مناسبت یکتاش کنگره و حدت است که در آن نمایندگان تمام تشکلهای متفرق سابق از سرسره امریکا و اروپا شرکت میکنند و آیین نامه ای کلی برای تشکیلات همه گیر جدید طرح و وضع و تصویب میکنند. فعلاً برای امریکا و سپس برای اروپا و آنگاه اقدام کلی) شکی نیست که مردم و خواسته ی همه ما یکی است و نظیری نکرده است، و تنها آیین نامه ی داخلی به طور لازم و شامل دستخوش تغییر خواهد شد.

تشکیل جلسه شورای مرکزی جبهه ملی ایران

جلسه شورای مرکزی جبهه ملی ایران با اکثریت اعضای شورا و هیات رهبری در روز ۲۹ تیر ماه به ریاست آقای ادیب برومند تشکیل گردید و در پیرامون قضایای داخلی و مسائل خارجی بحث و گفت و گو به عمل آمد.

احضار دکتر پرویز ورجاوند سخنگوی جبهه ملی ایران

خبر رسید که علی رغم بیماری شدید دکتر ورجاوند، سخنگوی جبهه ملی ایران، به صورتی که حتی برای صحبت با تلفن نیز از طرف پزشک معالج برای وی ممنوع شده، وی به اداره اماکن نیروی نظامی احضار شده است.

این در حالی است که فشار بر روی اعضای جبهه ملی ایران در شهر سالتا نیز فروزی یافته است و همچنین تبلیغ ایوزسیون خارج از ایران (بویژه سلطنت طلبان) نیز بیش از آنکه در این شرایط علیه حاکمیت باشد، جبهه ملی ایران را هدف قرار داده است.

احضار نماینده جبهه ملی در قزوین به اداره اطلاعات

در پی برخورد شدید با اعضای جوان جبهه ملی ایران در

شهرهای مختلف منجمله همدان، اهواز، شیراز و اصفهان و دیگر نقاط ایران مهندس الشکان رضوی مسئول تشکیلات جبهه ملی ایران در قزوین به اداره اطلاعات این شهر احضار شد. این در حالی است که دفتر کار وی چندی پیش برای چندمین بار مورد یورش افراد ناشناس قرار گرفته، و وی مورد ضرب و شتم و لوایم دفتر را نیز مورد تخریب قرار گرفته بوده است.

سالگرد در گذشت دکتر سنجایی

چهاردهم تیرماه مصداق برد با روز در گذشت شادروان دکتر سنجایی چهره به یاد ماندنی و از رهبران پرآوازه جبهه ملی ایران، مردی که در صحنه دانش و سیاست از خود یادگارهای بسیاری بر جای گذارده است.

دکتر سنجایی همه عمر با عشق به آزادی و سرملندی ایران زیست و لحظه ای از فکر خدمت به میهن غافل نماند.

نام و یادش گرامی باد

باز داشت آقای عبدالحسینان در اهواز

روز یکشنبه ۲۲ تیر ماه، آقای عبدالحسینان سخنگوی حزب آینده سازان وابسته به جبهه ملی ایران در سطح شهر اهواز بوسیله مأموران اداره اطلاعات استان بازداشت و به محل ستاد خبری اطلاعات هدایت می شوند و تا ۹۵ شب مورد بازجویی قرار می گیرند. سپس با گرفتن تعهد از یکی از بستگان آزاد و صبح فردا و روز بعد در پی جستجو در منزل ایشان، باز دیگر به محل ستاد اطلاعات فرا خوانده و مورد بازجویی قرار می گیرند.

نشریه داخلی

پیام جبهه ملی ایران

با یاد دکتر مهدی آذر

تهران - صندوق پستی: ۱۱۲۹ - ۱۵۸۱۵

E-mail: jebhemelliiran@yahoo.com